



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (دلالت نهی بر فساد)

نهی از عبادت ۲

جلسه ۲۷۰

استاد نجار زاده

نظر مصنف:

حقّ این است که نهی از عبادت، مقتضی فساد می‌باشد؛ اعمّ از آنکه نهی از اصل عبادت بوده یا به جزء، شرط و یا وصف آن تعلق بگیرد؛ زیرا بین عبادتی که مقصود از آن تقرب الی الله و تحصیل رضایت او است و نهی از آن که موجب بعد از درگاهش بوده و غضب حضرتش را به دنبال دارد، تنافی می‌باشد؛ لذا مستحیل است که بتوان با عملی که مبعّد بوده، تقرب جست و با فعلی که سبب غضب می‌باشد، تحصیل رضایش را نمود و نیز ممکن نیست به عملی که مشتمل است بر فعلی که مبعّد و مبعوض است، تحصیل تقرب نمود؛ چنانچه صحیح نیست به واسطه عملی که مقید است بوصفی که سبب بُعد بنده از درگاه الهی است یا موصوف به آن می‌باشد، رضایت حق تعالی را جلب و به درگاهش تقرب پیدا نمود.

نکته:

مصنف می‌گوید دلیل ما این نیست که نهی از جزء و شرط و وصف واسطه در ثبوت یا واسطه در عروض هستند؛ چنانچه برخی چنین پنداشته‌اند و نیز نه به خاطر آن است که جزء و شرط عبادتی وقتی فاسد شدند، این فساد مستلزم فساد مرکب و مشروط می‌باشد؛ بلکه نظریه ما در مورد جزء و شرط و وصف، استنادی به این بیانات ندارد؛ چون عملی که مشتمل باشد بر فعلی که بنده را از درگاه الهی دور می‌کند و یا مقید و موصوف به مبعّد باشد، مستحیل است که با آن بتوان تقرب الی الله پیدا کرد؛ همان طوری که نفس فعل مبعّد، مقرب نمی‌تواند باشد.